

## گزارشی از تظاهرات ۱۸ سپتامبر در لندن علیه جمهوری اسلامی (چرا تظاهرات را ترک کردیم؟)



امروز یکشنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲ به دنبال انتشار چند فراخوان از سوی نیروها و احزاب چپ و مخالف جمهوری اسلامی از جمله فراخوان فعالین سازمان ما و سازمان دموکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان برای برپایی یک آکسیون اعتراضی علیه جنایت صورت گرفته در حق ژینا امینی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در لندن، ده ها نفر از فعالین سیاسی نیروهای مختلف و فعالین سیاسی منفرد در این تظاهرات شرکت کردند. آنچه در زیر می آید گزارشی از این تظاهرات و مسایلی بوده که در جریان این حرکت اتفاق افتاد و ضرورت آگاهی رسانی به تمام نیروها و افراد مبارز و آگاه را ایجاب کرده است.

پس از ورود رفقای ما در ساعت اعلام شده (ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر) به مقابل کنسولگری متوجه شدیم که گروهی از سلطنت طلبان نیز با بلندگو و پرچمهای خود در محل حضور یافته اند. همه می دانند که دار و دسته های سلطنت طلب در طول سالها حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی هیچ حضوری در مبارزات نیروهای مردمی علیه این رژیم در خارج از کشور نداشتند. تنها از زمان قیام توده های تحت ستم ما در سال ۹۶ و ۹۸ با شنیدن "بوی کباب" و احتمال پشتیبانی قدرتهای بزرگ، آنها به تدریج با امکانات مالی چشمگیر خود در حرکات اعتراضی در خارج از کشور ظاهر شده و در زیر پرچم مبارزه با رژیم، هر جا که فرصتی یافته اند نیروهای کمونیست و مبارز ضد رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و جمهوری اسلامی را با فریاد های "رضا شاه روحت شاد" و "مرگ بر کمونیست" و ... مورد خطاب قرار داده اند.

امروز نیز دارو دسته سلطنت طلبها در محل حاضر شده بودند. در امتداد صف این عده و کمی دورتر از آنها تعداد زیادی از فعالین سیاسی و نیروهای نظیر حزب حکمتیست، حزب کمونیست ایران، راه کارگر، و تشکل ۸ مارس، شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران و همچنین تعدادی از نیروهای منفرد و مستقل نیز برای اعتراض به قتل ژینا امینی به دست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی جمع شده بودند که رفقای ما نیز به این جمع پیوستند. پس از سر دادن چند شعار فارسی نظیر مرگ بر جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته به همت توده ها نابود باید گردد و ... از سوی برخی افرادی که از نیروهای صف خلق شناخته می شوند از جمعیت تظاهر کننده خواسته شد که حال "سکوت" کنند تا دار و دسته سلطنت طلب شعارهای خودشان را بدهند. در این زمان، در کمال تعجب ما و بخش بزرگی از جمعیت، پخش سرود ننگین و ضد ملی "شاهنشاهی" از بلندگوی سلطنت طلبان آغاز شد و در حالی که این حرکت خشم و اعتراض رفقای ما و تعداد زیادی از جمعیت حاضر را برانگیخته بود، فریاد

های "رضا شاه روح شاد" نیز در فضا پیچید. رفقای ما با مشاهده این وضع با همراهی بخش چشمگیر جمعیت شروع به سر دادن شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور"، و "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" به فارسی و شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "به سرکوب زنان، به شکنجه و کشتار (مردم) باید پایان داده شود"، "کارگر زندانی، دانشجو زندانی، آزاد باید گردد" به زبان انگلیسی نمودند. اما این کار با "اعتراض" همان افراد یاد شده در فوق، همراه شد. آنها با مراجعه به ما و بخشی از تظاهر کننده ها خواهان قطع شعار دادن ما شدند تا خللی در شعار دادن سلطنت طلبان ایجاد نشود. جالب است که این همزمان با موقعی بود که سلطنت طلبان مرتجع در حال شعار دادن و فریاد "مرگ بر ارتجاع، چه سرخ باشه چه سیاه" بودند! با توجه به چنین برخوردی هرکسی می توانست دریابد که این افراد به دلیل "توافق" بین خود و نمایندگان دار و دسته سلطنت طلبان منفور و وابسته به امپریالیسم، خواهان رعایت "وقت" هستند!

جای تردید نیست که درخواست غیر منطقی و ضد دمکراتیک کسانی که خواهان سکوت و هم نوائی بخشی از تظاهرکننده ها با سلطنت طلبان بودند نمی توانست مورد قبول هیچ انسان مدعی کمونیسم و مدافع آرمانهای کارگر و توده های زحمتکش و افکار آزادیخواهانه قرار گیرد. در نتیجه درخواست آنها، مورد اعتراض نه تنها رفقای ما بلکه بسیاری از فعالین سیاسی حاضر قرار گرفت. مسلم است که برای ما شعارهای ارتجاعی و ضد مردمی سلطنت طلبان و برخورد آنان در تهدید کمونیستها و مبارزین کمترین تعجب و ابهامی در بر نداشت. اما نکته تاسف بار این بود که این افراد تحت عنوان رعایت دموکراسی، خواهان "تقسیم وقت" برای شعار دادن بین سلطنت طلبها و بقیه نیروهای حاضر در آن تظاهرات بودند. آنها چه به ماهیت حرکت خود آگاه بودند یا نبودند، در عمل سعی در تحمیل خواست خود به نیروهای مبارز شرکت کننده در تظاهرات داشتند تا در مقابل شعارهای "رضا شاه" (جلاد مردم ایران) "روح شاد" و "مرگ بر ارتجاع چه سرخ باشه چه سیاه" که از گفته های معروف شاه معدوم، این سگ زنجیری شناخته شده امپریالیستها است، سکوت کرده و هیچ عکس العملی نشان ندهند. جای تأسف است که این افراد که خود را کمونیست و چپ یعنی "سرخ" معرفی می کنند تا آن لحظه حتی معترض شعار مرگ بر سرخ سلطنت طلبان هم نبودند. این برخورد درک و تفکر این نیروها در تقسیم "دمکراسی" کیلویی با نمایندگان ضد انقلاب مغلوب و طبقات استثمارگر را به نمایش گذاشت.

با مشاهده اصرار و طرفداری این نیروها از "حق دمکراتیک" سلطنت طلبان کارگر ستیز و دشمن ستمدیدگان ایران، در برابر رفقای ما و بخشی از مبارزین مستقل و رادیکال حاضر در تظاهرات، پس از مشورت، این راه باقی ماند که یا می بایست به جای مبارزه با جمهوری اسلامی مشغول کشمکش و تنش با نیروهای شناخته شده در درون صف خلق شویم، با کسانی که در برخورد نادرست خود در معامله با سلطنت طلبان کمونیست گش، مشغول تمرین "دمکراسی" با آنان به قیمت زیر پا گذاشتن اصول و منافع زحمتکشانشان بودند، و یا با محکوم کردن این سیاست مضر و نادرست، تظاهرات "همه با هم" علیه جمهوری اسلامی را ترک کنیم. رفقای ما و تعدادی از فعالین سیاسی مستقل راه دوم را انتخاب کرده و همگی با هم تظاهرات را ترک کردیم.

تجربه غم انگیز فوق سوال بسیار مهمی را به ناگزیر مطرح می کند که باید مورد توجه تمامی نیروهای انقلابی و نیروهای مبارز درون صف خلق قرار گیرد. با توجه به اوضاع بحرانی جامعه و گسترش مبارزات در خارج کشور، و با توجه به طبیعت و شرایط این مبارزات، آیا به هیچ وجه صلاح است که کمونیستها و مبارزین وارد هر گونه "معامله" و "توافقی" با سلطنت طلبان مرتجعی شوند که از هم اکنون در همه جا مشغول تهدید کمونیستها بوده و حتی علناً بی شرمانه و مطابق ماهیت ضد خلقی شان خواستار به عهده گرفتن وظیفه "شکنجه" و "اعدام" تمام کمونیستهای ایران (وظیفه ای که پدر تاجدار مزدورشان به آن افتخار می کرد) هستند و شعار مرگ بر کمونیست سر می دهند و در اوهام شان، خود را برای جایگزینی با جمهوری اسلامی و تداوم سرکوب و استثمار کارگران و زحمتکشانشان آماده می کنند؟ آیا تجربه مبارزات سالهای ۵۶-۵۷ و کوشش مرتجعین در تحمیل شعار "همه با هم" راهنمایی در این زمینه در اختیار ما می گذارد؟ بدون شک پاسخ تمام وجدانهای آزادیخواه و تمامی کمونیستها و مبارزین

راستین که با تعهد به دفاع از منافع طبقه کارگر و گرسنگان و برای آزادی مردم ایران از قید هر گونه ستم و استثمار و سرکوب مبارزه می کنند، یک "نه" قاطع به چنین سیاست زیانبار و غیر دموکراتیک می باشد. در آخر جا دارد تأکید کنیم که ما در تظاهرات علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کماکان فریاد خواهیم زد:

**جمهوری اسلامی، ما حصل گوادلوپ، ننگت باد، مرگت باد!**  
**جمهوری اسلامی، دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران، نابود باید گردد!**  
**مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!**  
**پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!**

**فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن**  
**۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲**